

خودزنی اروپا پایان خویشتنداری ایران

چرا برخی دولت‌های غربی‌ستیزه‌جویی می‌کنند، مسئله‌ای منحصر به امروز نیست. فقط امروز نیست که پارلمان اروپایی به تبعیت از آمریکا، خواستار تروریستی قلمداد کردن سپاه پاسداران می‌شود، یا در سوئد با حمایت پلیس، مراسم قرآن سوزی به راه می‌اندازند و در فرانسه، بر توهین به مقدسات اسلامی توسط نشریه‌ای مبتذل شارلی ابدو اصرار می‌ورزند.

به گزارش سایت خبری پرسون، محمد ایمانی در یادداشتی نوشت: (۱) از هر زاویه که به مقابله‌جویی غرب با جمهوری اسلامی ایران نگاه کنید، درماندگی پدیدار است. با وجود حضور یک میلیون و دویست هزار ایرانی در اروپا گروه‌های اپوزیسیون مورد حمایت غرب، سه ماه قبل توانستند فقط ۳۵ هزار نفر را در نمایش برلین دور هم جمع کنند که بخشی از آنها هم آفریقایی تبار یا برخی شهروندان اروپایی بودند. در تجمع اخیر استراسبورگ هم، دو تا سه هزار نفر حضور داشتند و همان جمعیت قبلی هم آب رفته بود.

(۲) «استراسبورگ» مرکز ایالت آلزاس، که بارها طی جنگ، میان آلمان و فرانسه دست به دست شده، ۴۰۰ کیلومتر تا پاریس فاصله دارد. اما لازم نیست نمایندگان پارلمان اروپا از استراسبورگ به پاریس بروند تا وضعیت آشوب‌زده پایتخت فرانسه را ببینند. فضای رسانه‌ای در چند هفته اخیر، انباشته از فیلم‌های اعتراض مردم فرانسه با چاشنی زد و خورد، آتش‌سوزی و سرکوب است. پاریس و شهرهای دیگر، همین چند روز پیش، شاهد تظاهرات چند میلیونی مردم بود که از سیاست‌های نظامی و اقتصادی و امنیتی دولت به تنگ آمده‌اند. نمایندگان پارلمان و شورای اروپا اگر درایت کافی داشته باشند، تجمع دو-سه هزار نفره اپوزیسیون جمهوری اسلامی و جمعیت‌های میلیونی معترضان در فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی را مقایسه می‌کنند و به جای خبط‌هایی مانند تشدید تنش با ایران، فکری برای بحران فزاینده در قلمروی خود می‌کنند، نه این که از باتلاق بحران اوکراین در نیامده، دردسر دیگری برای خود فراهم سازند.

(۳) برخی دولت‌های اروپایی، بیش از آن که تصمیم‌گیر فعال باشند، دنباله‌روهایی منفعل به نظر می‌رسند. و گرنه دلیلی ندارد که هزینه گزاف جاه‌طلبی‌های آمریکا و انگلیس (خارج شده از اتحادیه اروپا) را بپردازند، یا نقش کیسه شن را بازی کنند. به ترکیب اتحادیه اروپا نگاه کنید! غالباً منافع کشورهای شرق و مرکز اروپا، قربانی منافع چند دولت اروپای غربی و به ویژه آمریکا شده است. و گرنه مثلاً چرا باید کشورهایمانند مجارستان، لهستان، رومانی، کرواسی، چک، بلغارستان، یونان، اتریش، ایتالیا و اسپانیا، از منافع اقتصادی و سیاسی روابط با ایران صرف نظر کنند؟ البته درایت، درباره افراد دارای اراده مستقل صدق می‌کند. ما، غرض‌ورزی و مسلوب‌الاراده بودن طرف اروپایی را در برجام تجربه کردیم. برخی از دولت‌ها سال‌هاست در صیانت از منافع خود در مقابل مطامع آمریکا و اختاپوس صهیونیسم، ناتوانی نشان می‌دهند. آمریکا، هزینه گزاف جنگ اوکراین را به اقتصاد و امنیت اروپا تحمیل کرد بالغ بر ۲۵ هزار شرکت در اروپا پس از جنگ اوکراین ورشکسته شده‌اند.

(۴) آمریکا و رژیم صهیونیستی چرا صورتک «اتحادیه اروپا» را بازیچه شرارت‌های خود قرار داده‌اند؟ وضعیت به هم ریخته اسرائیل را ببینید که چند سال است دولت‌های آن، یک سال هم دوام نمی‌آورند. اردوکنشی خیابانی مخالفان نتانیاهو (با جمعیت‌های چند صد هزار نفری و با ۶ وزیر فعلی و چند نخست‌وزیر سابق)، رویدادی کم سابقه است. رسانه‌های صهیونیستی درباره قریب‌الوقوع بودن جنگ داخلی هشدار داده‌اند. در وخامت اوضاع همین بس که «ریولین» رئیس‌رژیم گفته: «اقدامات کابینه نتانیاهو کودتاست»؛ «ایهود باراک» نخست‌وزیر اسبق خواستار سرنگونی «کابینه افراطی» شده؛ و موشه یعلون وزیر جنگ اسبق، دولت را «کابینه دیکتاتورهای جنایتکار» خوانده و گفته: «جلوی نتانیاهو می‌ایستیم تا مانع ویرانی اسرائیل شویم». اگر گسترش جبهه مقاومت از سوی جمهوری اسلامی در منطقه نبود، اسرائیل به چنین حال و روزی می‌افتاد؟

(۵) این که چرا برخی دولت‌های غربی‌ستیزه‌جویی می‌کنند، مسئله‌ای منحصر به امروز نیست. فقط امروز نیست که پارلمان اروپایی به تبعیت از آمریکا، خواستار تروریستی قلمداد کردن سپاه پاسداران می‌شود، یا در سوئد با حمایت پلیس، مراسم قرآن سوزی به راه می‌اندازند و در فرانسه، بر توهین به مقدسات اسلامی توسط نشریه‌ای مبتذل شارلی ابدو اصرار می‌ورزند. عبدالکریم سروش -از مروجان سکولاریسم و عضو اتاق فکر جنبش سبز در لندن- طی دو سخنرانی در دانشگاه «دلفت» هلند و در جمع عناصر ضدانقلاب در پاریس (۴ اسفند ۱۳۸۸ و ۱۱ مرداد ۱۳۸۶) اذعان کرد: «تزو سکولارها درباره جدایی حکومت از دین، در جهان واژگونه شده؛ به این دلیل که وجود دین را در عمق زندگی ایرانیان و بازگشت دین را در مغرب زمین می‌توانیم ببینیم. آنچه گمان می‌رفت رو به احتضار می‌رود یا مُرده، خوب یا بد، ظاهراً تجدید حیات کرده، برخاسته و دیگران را به نگرانی افکنده است. سکولاریسم که قرار بود نسبت به ادیان بیطرف باشد، اکنون‌ستیزه‌گر شده و با برخی ادیان رسماً در می‌آویزد و می‌ستیزد و وجود اجتماعی آنان را تحمل نمی‌کند» و «رفته رفته سکولاریسم وارد دوره‌ستیزه‌گر و میلیتانت می‌شود و مدارا و هاضمه قوی پیشین را از دست داده است. پیش‌بینی ضعیف شدن تدریجی ادیان باطل از آب درآمده. در این ۲۰، ۳۰ سال از جامعه شناسان بزرگ می‌شنوید که ادیان در حال قوت گرفتن هستند. سکولاریسم و لیبرالیسم، هاضمه‌اش برای بلعیدن ادیان ضعیف، قوی بود، اما دین قوی و فربه از گلویش پایین نمی‌رود و لذا ستیزه‌گر می‌شود».

(۶) علت دیگر این‌ستیزه‌جویی، دگرگونی در در نظم جهانی مستقر است. دولت‌های زیاده‌خواه غربی دو جنگ بزرگ جهانی ویرانگر را ترتیب دادند و سپس، در حاشیه امنیت نشستند تا دست و پا زدن دیگران را در کام جنگ و بحران و نا امنی تماشا کنند. آمریکایی‌ها در دو دهه پر ماجرای اخیر، ضمن اعلام «قرن جدید آمریکایی»، می‌خواستند طرح «خاورمیانه جدید» را به اجرا بگذارند و نقشه منطقه را با جنگ‌های مستقیم و نیابتی (به تعبیر خودشان: جنگ جهانی چهارم و جنگ جهانی سوم) زیر رو کنند. اما این نقشه جامع، گرفتار سوء محاسبه شد. جبهه مقاومت به رهبری ایران، با ترکیبی از تدبیر و شجاعت و خطر پذیری و مجاهدت، تهدید بزرگ دشمن را به فرصتی بزرگ‌تر برای گسترش جبهه مقاومت اسلامی تغییر داد. تا آنجا که مجله نیوزویک،

ضمن درج تصویر سردار سلیمانی در صفحه نخست خود تیتراژ «او نخست با آمریکا جنگید و اکنون در حال خورد کردن داعش است».

۷) تدابیر دوران ساز ایران، غرب همیشه مهاجم را به عجزانداخته است. برای اولین بار است که ایران، در مقابل جنگ جهانی تحمیلی غرب، تماشاچی منفعل یا کشوری اشغال شده نیست. هر چند حکومت قاجار و پهلوی در هر دو جنگ جهانی، اعلام بیطرفی کردند، اما کشور به اشغال متفقین درآمد. انگلیسی‌ها به همراه روس‌ها، در جنگ جهانی اول که احمدشاه قاجار حکومت می‌کرد، ایران را اشغال کردند. وقوع انقلاب بلشویکی، موجب عقب‌نشینی روسیه شد. اما نیروهای انگلیس، هنگامی از ایران خارج شدند که رضا خان را با کودتا حاکم کردند. در جنگ جهانی دوم نیز، متفقین، خاک ایران را اشغال کردند و آمریکا و انگلیس، پسر بی‌کفایت رضا خان را بر تخت نشاندند تا شومترین دوره اختناق و غارت منابع ایران را به مدت ۳۷ سال رقم بزنند.

۸) آمریکا و ناتو با اردوکنشی مستقیم و سپس جنگ نیابتی داعش در دو دهه اخیر، قصد داشتند تمامیت ارضی ایران را به چالش بکشند، اما جمهوری اسلامی توانست ورق جنگ را از افغانستان و عراق تا سوریه و لبنان و فلسطین و یمن برگرداند و حتی به روسیه، برای نقش‌آفرینی مستقل در برابر تاخت و تاز افسار گسیخته غرب، جرئت و اعتماد به نفس بدهد. غرب در مسیر حرکت بولدوزری خود توانسته بود سر گورباچف را هم در شوروی کلاه بگذارد. پس از فروپاشی بلوک شرق هم کوشید با راه‌اندازی کودتاهای مخملین در گرجستان و اوکراین و قزاقستان، به مرزهای روسیه نزدیک‌تر شود. غربی‌ها همچنین با توافق مینسک، چند سال دیگر زمان خریدند و پایگاه‌های نظامی و اطلاعاتی را در اوکراین مستقر کردند؛ چنان که پوتین گفت: «غرب، ما را در توافق مینسک فریب داد». فقط یک کشور بود که در شطرنج پیچیده جنگ جهانی سوم، از غرب فریب نخورد و نقش‌آفرینی راهبردی خود را انجام داد و آن، ایران بود که نه تنها در مقابل جنگ ترکیبی غرب ایستاد، بلکه چنان تدبیری به خرج داد که تیر جنگ از غرب آسیا، به سمت جنگ افروزان همیشگی کمانه کرد. آمریکا و غرب می‌خواستند با تحریم‌های فلج‌کننده و فشار حداکثری، ایران را به زانو در آورند و از برجام، روندی برای تحمیل سیاست‌ها بسازند، اما اعتراف کردند که سیاست فشار حداکثری، شکست فاحشی خورده است. همان‌ها می‌گویند «روسیه راه‌های دور زدن و بی‌اثر کردن تحریم‌ها را از ایران می‌آموزد و با کمک پهپادهای ایرانی [خریداری شده قبل از جنگ اوکراین] سرنوشت نبرد را تغییر داده است».

۹) آمریکا در سال ۲۰۰۷، سپاه قدس را به بهانه حمایت از تروریسم تحریم کرد و فروردین ۱۳۹۸ طبق قانون کاتسا، اتهام و تحریم مشابهی را متوجه سپاه پاسداران کرد. خب! در همه این سال‌ها، اراده آمریکا پیش رفته، یا جمهوری اسلامی قدرتمندتر شده است؟ تحلیلگران بسیاری در غرب گفته‌اند که هر نوبت اقدام به فشار علیه ایران، موجب تهاجمی‌تر شدن رفتار جمهوری اسلامی، و هر ضربه تاکتیکی، موجب پاسخ‌های راهبردی پیچیده‌تر ایران شده است. آنها دیده‌اند که در ماجرای میکونوس (سال ۱۳۷۵)، و همچنین دست درازی دو دهه بعد آمریکا و انگلیس به نفتکش‌ها، جمهوری اسلامی چگونه طرف‌های غربی را تحقیر کرد. حالا هم، دست آنها در خلیج فارس و اقیانوس هند (چهار گوشه منطقه) زیر ساطور ایران و جبهه مقاومت است. بر خلاف تبلیغات جهت‌دار غرب، جمهوری اسلامی ایران تا به امروز در موضوع جنگ اوکراین و موارد مشابه در منطقه، خویشتندارانه رفتار کرده است؛ اما در صورت ادامه مواضع خصمانه غرب، حتما نقطه پایان بر این خویشتنداری خواهد گذاشت.

۱۰) حمایت از صدام، میزبانی گروه‌های برانداز و تروریست، اقدامات تحریمی و نقض مطلق برجام (چهارسال قبل از جنگ اوکراین)، نشانه خصومت جاری غرب بوده و تحرکات اخیر آنها، صرفاً می‌تواند دست ایران را برای اقدامات متقابل، بازتر کند. اروپایی‌ها از یک طرف، تروریستی خواندن سپاه را زمره می‌کنند؛ اما از طرف دیگر می‌خواهند چینی شکسته برجام را با وجود نقض یازده تعهد خود حفظ کنند! سند درباره خسارت بار بودن برجام، روشن‌تر از این؟! «ریچارد هایت» (تهیه‌کننده سند راهبردی اتحادیه اروپا درباره روابط با ایران) بهمین ۱۳۹۵ گفته بود: «توافق هسته‌ای، یک نقطه عطف بود؛ هرچند که همه مشکلات ما با ایران درباره اسرائیل، دموکراسی و حقوق بشر حل نشده... ما باید دفتر نمایندگی خود را در تهران افتتاح کنیم و گفت‌وگو درباره حقوق بشر در ایران را از سر بگیریم. پیشرفت واقعی امکان‌پذیر است. نیروهایی در داخل ایران، در حال اعمال فشار بر حاکمیت هستند و ما امیدواریم گزارش ما نیز باعث پیشرفت در این زمینه شود. اکنون اروپا در ایران نفوذ دارد، ولی آمریکا از این نفوذ برخوردار نیست. ما می‌خواهیم از این اهرم استفاده کنیم و به سوی ساختار جدید امنیتی در خاورمیانه حرکت کنیم». اقدامات خصمانه طرف اروپایی، قطعاً فرصتی برای ایران است تا این مسیر نفوذ و جریان سازی غرب را با قاطعیت کور کند و حلقه‌های غربگرا را که هماهنگ با ادبیات دشمن فضا سازی می‌کنند، دشمن‌انگاری و جاسوس‌انگاری نماید. این دومین ضربه، پس از ضربه اول در جریان ضربه به شبکه نفوذ دشمن در جریان اغتشاشات اخیر خواهد بود.

این همان شبکه‌ای است که درست فردای اقدام خباثت‌آلود پارلمان اروپا علیه سپاه، به سمت اروپایی‌ها غش کرد و در نشریات خود نوشت: «آیا تهران به میانجیگری اروپا پایان می‌دهد؟» و «چگونه اروپا را از دست دادیم؟ اروپایی‌ها یک زمانی، خیلی با ما برای پذیرش FATF همراهی می‌کردند، اما الان سخت می‌توانیم شرایط را به آن زمان برگردانیم!» اروپا در سال‌های اخیر، میانجی بود یا طرف فریبکار و عهد شکن؟ در ماجرای FATF، ایران ۳۷ بند از ۴۱ بند برنامه اقدام مد نظر این کمیته را انجام داد، اما آیا نتیجه، چیزی جز تشدید تحریم‌ها و افزایش طلبکاری غرب بود؟ در همین دوره در دولت سابق (خرداد ۱۳۹۶) بود که به برخی بانک‌ها بخشنامه کردند تا با «افراد مورد تحریم سازمان ملل و وزارت خارجه آمریکا و وزارت خزانه‌داری آمریکا» همکاری نکنند (تحریم کنند!). همان زمان، سپاه پاسداران، قوه قضائیه، وزارت اطلاعات، وزارت ارشاد، صدا و سیما و بسیاری از دستگاه‌های دیگر در فهرست کذایی تحریم‌ها بودند.

منبع: کیهان